



فصلنامه علمی پژوهشی دانش سرمایه‌گذاری
سال ششم / شماره بیست‌ودوم / تابستان ۱۳۹۶

بررسی ارتباط بین خوش‌بینی مدیریت و هموارسازی سود در بانک‌های پذیرفته شده در بورس و فرابورس اوراق بهادار تهران

جمال بحری ثالث

استادیار، گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه، ارومیه، ایران
j.bahri@iaurmia.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۸/۰۱ تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۰/۲۸

چکیده

امروزه مدیران برای جلب نظر سرمایه‌گذاران سعی در حداکثر نشان دادن درآمد و سود به عنوان یکی از معیارهای ارزیابی عملکرد خود دارند. آنها امکان دارد از طریق انتخاب سیاست‌های خاص حسابداری، برآوردهای حسابداری و مدیریت ارقام تعهدی، سودهای گزارش شده را هموار کنند. از این رو ممکن است سود گزارش شده متفاوت با نتیجه عملکرد واقعی شرکت باشد. هدف این پژوهش، بررسی ارتباط بین خوش‌بینی مدیریت و هموارسازی سود در بانک‌های پذیرفته شده در بورس و فرابورس اوراق بهادار تهران بین سالهای ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۳ می‌باشد. جامعه تعدیل شده پژوهش نیز شامل ۶۵ سال-بانک می‌باشد. برای پاسخ به سوالات پژوهش دو فرضیه از طریق رگرسیون حداقل مربعات معمولی و لوجیت باینری به شکل خطی چند متغیره با داده‌های تلفیقی (پولد) مورد بررسی و آزمون قرار می‌گیرد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد مدیران خوشبین‌تر بانکها به نسبت سایر مدیران تمایل بیشتری جهت گزارش سودهای هموار شده از طریق ارقام تعهدی و شاخص هموارسازی سود ایکل دارند. همچنین، نتایج پژوهش نشان می‌دهد بانک‌های بزرگتر و قدیمی‌تر نیز به احتمال زیاد جهت گزارش سودهای هموار شده از طریق ارقام تعهدی و شاخص هموارسازی ایکل اقدام می‌کنند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد بانک‌هایی که ارزش بازار به ارزش دفتری بالایی دارند کمتر تمایل به هموارسازی سود طبق مدل ایکل دارند.

واژه‌های کلیدی: خوش‌بینی مدیریت، هموارسازی سود، کل ارقام تعهدی، تغییرات داده‌های حسابداری

۱- مقدمه

یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین عوامل بهبود عملکرد شرکت، رفتار مدیر و تصمیم‌گیری او است. طبق نظریه انتظارات منطقی و عقلایی و فرضیه مباشرت (نظارت) مسئولیت مدیریت واحد تجاری فراهم کردن نظارت مستقل بر عملکرد شرکت و همچنین پاسخگویی در قبال سهامداران و ذینفعان است. شاید اصلی‌ترین ابزار نظارت بر عملکرد شرکت‌ها تهیه و ارائه مجموعه صورت‌های مالی واحد تجاری باشد. محتوای اطلاعاتی داده‌های حسابداری خصوصاً سود حسابداری در تحقیقات بسیاری به اثبات رسیده است (والاس، ۱۳۹۰). در بیانیه شماره یک هیأت استانداردهای حسابداری مالی^۱ بیان شده است که سرمایه‌گذاران، بستانکاران و دیگران از سود برای ارزیابی توانایی سودآوری، پیش‌بینی سودهای آتی، ارزیابی ریسک سرمایه‌گذاری در شرکت یا دادن اعتبار به شرکتی استفاده می‌کنند. از دیدگاه اطلاعاتی، مفهوم سود نتیجه‌ی فعالیت‌های اقتصادی را بیان می‌کند. ولی به عنوان معیار اساسی اندازه‌گیری، همچنان مورد تردید قرار دارد. بر مبنای مفروضات بازار کارایی سرمایه، تحقیقات تجربی مؤید آن هستند که سود حسابداری دارای محتوای اطلاعاتی می‌باشد. البته حسابداران حرفه‌ای چه برای اندازه‌گیری سود و چه برای شناسایی اطلاعات انعکاس یافته در محاسبه‌ی سود حسابداری، همچنان بر نقش اندازه‌گیری سود تأکید ورزیده و تحلیل‌گران مالی نیز خواهان اندازه‌گیری و انتشار آن می‌باشند (هندریکسون و ونبردا، ۱۹۹۲). هموارسازی سود عبارت است از تلاش مدیریت واحد تجاری برای کاستن نوسانات غیرعادی سود، تا آن اندازه که اصول مستدل و منطقی حسابداری و مدیریت اجازه داده باشند. پدیده‌ی هموارسازی سود بطور بالقوه می‌تواند در رفتار استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی مؤثر واقع گردد (بیدلمن، ۱۹۷۳). مبانی نظری و تحقیق‌های تجربی گذشته نشان می‌دهد مدیران شرکت‌ها برخی مواقع سود را پایین تر و در برخی مواقع سود را بالاتر از سود اقتصادی واقعی گزارش می‌کنند (باومن، ۲۰۱۴). پژوهش‌های اخیر انجام شده در این زمینه نشان می‌دهد مدیران عامل به طور فعال دست به هموارسازی سود می‌زنند (گراهام و همکاران، ۲۰۰۵).

درباره‌ی انگیزه‌های هموارسازی سود، رویکرد تحریف در مقابل رویکرد اطلاعات مطرح شده است. رویکرد تحریف بیان می‌کند که مدیران به منظور دستیابی به پاداش یا حفظ موقعیت شغلی خود اقدام به هموارسازی سود می‌کنند. در مقابل، رویکرد اطلاعات از هموارسازی سود به عنوان ابزاری برای مدیران یاد می‌کند که اطلاعات محرمانه‌ی آن‌ها درباره‌ی سودهای آتی را آشکار می‌سازد (حقیقت و رایگان، ۱۳۸۷).

با این وجود سطح هموارسازی سود در بین شرکت‌های مختلف متفاوت بوده و بستگی به عوامل متعددی دارد. متفاوت بودن سطح هموارسازی سود در بین شرکت‌ها باعث شده تا پژوهش‌گران حوزه مالی و حسابداری به شناسایی عوامل شناخته نشده مؤثر بر هموارسازی سود بپردازند. اکثر پژوهش‌های قبلی بر ویژگی‌های خاص شرکتها تمرکز داشتند این در حالی است که پژوهش‌های اخیر بر تحلیل ویژگی‌های تصمیم‌گیرندگان و افراد دخیل در هموارسازی سود تمرکز دارند. برای مثال هیلی (۱۹۸۵) و برگستر و فیلیپون (۲۰۰۶) تاثیر پاداش مدیران را بر هموارسازی سود مورد بررسی قرار دادند. کلین (۲۰۰۲) و بوون و همکاران (۲۰۰۸) نقش ویژگی‌های هیئت مدیره بر هموارسازی سود را مطالعه نموده‌اند. جی و همکاران (۲۰۱۱) به بررسی رابطه ویژگی‌های

شخصیتی مدیران عامل (همچون سن و سطح تحصیلات) و هموارسازی سود پرداخته اند. باور ها و عقاید مدیران نیز می تواند یکی از عوامل مهم در تبیین هموارسازی سود باشد (باومن، ۲۰۱۴). زمانی که باور خوش بینی به عنوان یک باور جهت دار و رو به بالا درباره مسائل آینده تعریف می شود، بنابراین به طور گسترده بر تصمیمات شرکت ها و اشخاص نیز در رابطه با آینده موثر خواهد بود. هریبار و یانگ (۲۰۱۲) نشان دادند مدیران خوش بین تر علاقمند به پیش بینی خوشبینانه سود دارند، سودی که اغلب محقق نمی شود.

یک فرد خوش بین بیش از یک فرد منطقی احتمال دارد که به درآمدهای بالاتر در آینده دست یافته و درآمدهای فعلی را افزایش دهد، که بدان معنا است که یک فرد خوش بین می تواند درآمدهای جاری بالاتری را نسبت به یک مدیر منطقی گزارش دهد. گرچه محدودیت حاکم بر افزایش موقتی به این معنا است که احتمال بیشتری وجود دارد که فرد خوش بین آزادی عمل کمتری برای گزارش درآمدهای بالا در آینده داشته باشد. به عبارت دیگر با توجه به توزیع یکسان درآمدهای حقیقی، یک مدیر خوش بین نمی تواند به طور پیوسته درآمدهای بالاتری از یک مدیر منطقی گزارش کند، که باعث می شود هموارسازی مفهوم خوش بینی به اندازه این مشاهده آشکار نباشد که یک فرد خوش بین نسبت به یک مدیر منطقی گرایش طبیعی بیشتری به افزایش درآمدها دارد، در حالی که سایر مسائل برابر هستند. بنابراین به صورت تجربی به پرسش هموارسازی پاسخ می دهیم، اما توضیح نظری احتمالی دیگری نیز برای این یافته ها وجود دارد (باومن، ۲۰۱۴).

در سال های اخیر که مبحث نحوه مدیریت در ارزیابی عملکرد، مسئولیت پاسخگویی و دیگر موارد جایگاه ویژه ای یافته است، این سؤال مطرح می شود که آیا سود خالص گزارش شده یک بنگاه اقتصادی که متأثر از روش ها و برآوردهای حسابداری است، امکان ارزیابی عملکرد و مسئولیت پاسخگویی را فراهم نموده و می تواند توان سودآوری یک بنگاه اقتصادی را نشان دهد؟ آیا بازار به کیفیت سود نیز توجه دارد و اگر چنین است نقش مدیریت در ارتباط با آن چگونه است؟ بنابراین دستیابی به شاخصی کاربردی از خوش بینی مدیریت برای شناسایی، مقایسه و تعدیل (هموارسازی) سودهای گزارش شده در شرایط کنونی از اهمیت فراوانی برخوردار می باشد به خصوص که تا کنون چنین پژوهشی با انتخاب صنعت بانکداری در ایران انجام نشده است. به تبع مبانی نظری ذکر شده این پژوهش با نگرشی متفاوت نسبت به اندازه گیری هموارسازی سود (با اتکال بر تغییرات معیارهای حسابداری) و انتخاب صنعت مهم و تاثیر گذار بانکداری به بررسی رابطه بین خوش بینی مدیریت و هموارسازی سود می پردازد.

۲- مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

۲-۱- خوش بینی مدیریت

اطمینان بیش از اندازه، یکی از مهمترین یافته های علم روانشناسی در حوزه قضاوت و تصمیم گیری است. افراد هم در مورد توانایی خود در پیش بینی و هم در مورد دقت، اطلاعاتی که در اختیار آنها قرار می گیرد، برآوردی بیش از اندازه دارند، اغلب مردم خود را از آنچه واقعا هستند، باهوش تر می پندارند و بر این باورند که اطلاعات

بهتری نیز در اختیار دارند. اطمینان بیش از اندازه بیانگر تمایل به برآورد بیش از حد تواناییها و خلاقیت‌های خود می‌باشد (دانیل و هیرشلیفر، ۲۰۰۲).

اطمینان بیش از اندازه مدیر عامل معمولاً به صورت توانایی مدیر عامل در پیش بینی نتایج مثبت تر یا دست بالا گرفتن احتمال نتایج تعریف می‌شود (مالمیندر و تیت، ۲۰۰۸). مدیر عامل فرا اطمینان به وسیله‌ی دست بالا گرفتن نتایج مطلوب و دست کم گرفتن خطای نتایج محتمل تعریف می‌شود. بنابراین استدلال شده است که اطمینان بیش از اندازه مدیرعامل نوعی از تشخیص پیش از وقوع است که جایگاه گزارش مالی نادرست را توجیه می‌کند که می‌تواند به ارائه مجدد ختم شود. علاوه بر این ادعا شده است که چون مدیر عامل بیش از حد مطمئن ممکن است از تعصب خود آگاه نباشد، در ذهن خود به صورت ناخواسته صورتهای مالی را بیش از حد خوش بینانه، غلط و غیر واقعی ارائه دهد (پرسلی و ابوت، ۲۰۱۳).

ادبیات تئوریک دو دیدگاه متضاد پیرامون خوش بینی مدیر بر عملکرد شرکت ارائه نموده است. دیدگاه اول بیان می‌دارد که خوش بینی بیشتر باعث ارتقای عملکرد شرکت می‌گردد. هنگامی که مدیر از اعتماد به نفس بالای مدیران بالاتری برخوردار باشد برقراری ارتباط موثر با دیگران رو به افزایش خواهد بود (هرمالین و ویسبک، ۲۰۱۰)، به نظر لیپتین و پورچ (۱۹۹۲) زمانیکه خوش بینی و اعتماد به نفس مدیر کم باشد، کنترل و نظارت بر عملکرد کارمندان و به تبع آن عملکرد شرکت بصورت کارا صورت نمی‌پذیرد. همچنین از نظر جنسن (۱۹۹۳) ضمن آنکه طرح‌ریزی، هماهنگی، تصمیم‌گیری و برگزاری جلسات منظم به جهت نظارت بر امور به قوت و قدرت خود برگزار نمی‌شود. به عبارتی یک مدیر با اعتماد به نفس پایین، توانایی خود را به نحو احسن از دست می‌دهد و بیشتر در یک جایگاه نمادین قرار می‌گیرد (هوانگ و همکاران، ۲۰۱۰).

دیدگاه دوم بیان می‌دارد که یک مدیر با توانایی‌های رفتاری بالا از مزیتها و منافع نظرات و پیشنهادات تخصصی و متنوع برخوردار است، همچنین مدیری که از خوش‌بینی بالاتری برخوردار است در زمینه‌هایی از قبیل تجربه، مهارت و غیره مزیت دارد (هوانگ و همکاران، ۲۰۱۰).

به جهت اندازه‌گیری اطمینان بیش از حد مدیریت معیارهای شامل: معیارهای مبتنی بر مالکیت اختیار معامله (توسط مدیران) به مدت طولانی^۱، نگهداری اختیار معامله (توسط مدیران) تا زمان سررسید^۲، اعتماد به خرید سهام^۳، پوشش رسانه‌ها^۴ پیش بینی سود و میزان حقوق مدیران معرفی و توسط محققین مختلف بکار گرفته شده است.

لین و همکاران (۲۰۰۵) از سودهای پیش بینی شده توسط مدیران، به عنوان معیارهای اندازه‌گیری اطمینان بیش از حد مدیران استفاده کردند. در صورتی که تعداد دفعاتی که مدیران سود را بیش از واقع پیش بینی می‌کنند بیش از تعداد دفعاتی باشد که سود را کمتر از واقع پیش بینی می‌کنند، مدیران دارای اطمینان بیش از اندازه شناسایی می‌گردند. هریبار و یانگ (۲۰۱۱) نشان دادند که سودهای پیش بینی شده توسط مدیران دارای اطمینان بیش از حد، خوش بینانه تر از سودهای پیش بینی شده توسط سایر مدیران است. معیار سودهای پیش بینی شده جهت اندازه‌گیری اطمینان بیش از حد مدیران در پژوهش‌هایی از جمله هوانگ و همکاران (۲۰۱۱)، بن دیوید و همکاران (۲۰۰۷) و لی و تانگ (۲۰۱۰) استفاده شده است.

۲-۲- هموارسازی سود

مدیریت سود به عنوان فرآیند برداشتن گام‌های آگاهانه در محدوده‌ی اصول پذیرفته شده حسابداری جهت آوردن سود گزارش شده به سطح سود مورد نظر تعریف شده است. یکی از اهداف دستکاری سود، هموارسازی سود می‌باشد. لذا هموارسازی سود را می‌توان بخشی از مدیریت سود دانست. فرضیه هموارسازی سود پیشنهاد می‌کند که سود برای کاهش نوسان‌های آن حول سطحی که برای شرکت نرمال به نظر می‌رسد، به طور آگاهانه دستکاری می‌شود (رونن و سیمچا، ۱۹۸۱) و مدیران در محدوده اصول پذیرفته شده حسابداری از روشهایی استفاده می‌کنند که واریانس سود گزارش شده را کاهش دهند (سوک و میلر، ۲۰۰۲). وجود این نوع دستکاری نیازمند آن است که شرکت سود زیادی داشته باشد تا بتواند ذخایر لازم را برای منظم کردن جریان‌ها در هنگام نیاز تامین کند. محققان هموارسازی سود از این باور تبعیت می‌کنند که انحصار بازار با جریان ثابت سود گمراه می‌شوند. این باور براساس مشاهدات علی و روش تخمین ریسک است. تغییرات سود معیاری برای ریسک است. بنابراین، اگر برای کل سود، تغییرات را کاهش دهیم، تصور بازار نسبت به ریسک تغییر خواهد یافت (اعتمادی و جوادی، ۱۳۸۸). پیرو مدیریت سود، هموارسازی سود نیز از دو طریق هموارسازی واقعی و تصنعی سود انجام می‌گیرد.

هموارسازی واقعی، نوعی از هموارسازی سود است که مدیریت با تغییر زمانبندی برخی از رویدادها و وقایع اقتصادی را کنترل می‌کند. این نوع هموارسازی سود معمولاً از طریق سه عامل شامل (افزایش تولید و کاهش هزینه‌های ثابت سربار، کاهش هزینه‌های اختیاری نظیر تبلیغات و تسریع در زمان بندی فروش از طریق اعطای تخفیفات بیشتر با شرایط اعتباری آسانتر) انجام شده و بر جریان وجه نقد ورودی و خروجی شرکت تاثیرگذار است. از آنجایی که کنترل رویدادهای اقتصادی مستقیماً بر سودهای آتی موثر واقع می‌شود، هموارسازی از این نوع را هموارسازی واقعی می‌نامند. هموارسازی تصنعی نوعی از هموارسازی است که ناشی از یک رویداد اقتصادی نمی‌باشد بلکه از اقدامهایی است که اصطلاحاً به آن دستکاری اختیارات حسابداری می‌گویند. این نوع از هموارسازی تاثیری بر جریان وجه نقد ندارد؛ به عبارت دیگر هموارسازی تصنعی صرفاً موجب جابجایی هزینه‌ها و درآمدها بین دوره‌های مالی می‌شود (ایکل، ۱۹۸۱).

۳-۲- خوش بینی مدیران و هموارسازی سود

تحقیقات نشان می‌دهد که مدیران شرکت‌ها جهت حفظ موقعیت شغلی انگیزه دارند تا عملکرد خود را با به تاخیر انداختن اخبار بد، بیش از واقع نشان دهند به امید آنکه عملکرد ضعیف آنها با عملکردهای بهتر در آینده پوشیده شود (فولاد وهمکاران، ۱۳۹۱). مهم ترین پدیده ای که در زمینه خود فریبی در بین مدیران اجرائی بحث می‌شود، خوش بینی مدیران می‌باشد. شواهد زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد اشخاص به دانش و توانایی‌هایشان بیش تر از آن چیزی که هست اعتماد دارند، معمولاً پیش بینی افراد از احتمال وقوع پدیده‌ها یا خیلی افراطی یا خیلی تفریطی است و همچنین زمانی که قابلیت پیش بینی کم است یا شواهد و مدارک مبهم هستند، مدیران و متخصصان بیشتر از افراد عادی در معرض خوش بینی قرار می‌گیرند، به طوری که خوش بینی

باعث می‌گردد که مدیران به دنبال راههایی باشند که پیامدهای تصمیم‌گیریهای خود را توجیه کنند و به این ترتیب بتوانند احترام دیگران را به خودشان جلب کنند (مالمندر و همکاران، ۲۰۱۱). در این راستا این سوال مطرح می‌شود که آیا مدیران خوش‌بین در مواقعی که نمی‌توانند به پیش‌بینی‌های خوش‌بینانه خود دست یابند چه اقداماتی انجام می‌دهند؟ آیا هموارسازی سود یکی از این اقدامات می‌باشد؟

۲-۴- پیشینه تجربی پژوهش

اغلب پژوهش‌های مرتبط با موضوع این مقاله به بررسی مواردی همچون دلایل تمایل مدیران به هموارسازی سود، تشخیص تجربی هموارسازی سود و تبیین عواملی که منجر تفاوت سطوح هموارسازی سود در بین شرکت‌ها می‌شود، پرداخته‌اند.

باومن (۲۰۱۴) طی پژوهشی با عنوان بیش‌اعتمادی و هموارسازی سود نشان دادند مدیران خوش‌بین، بیش از مدیران منطقی و عقلایی اقدام به هموارسازی سود نموده و در نتیجه قدر مطلق اختلاف سود واقعی و پیش‌بینی شده آنها پایین‌تر می‌باشد.

هریبار و یانگ (۲۰۱۲)، در پژوهشی تحت عنوان اعتماد بیش از حد مدیر عامل و پیش‌بینی مدیریت، دریافتند به احتمال زیاد مدیران خوش‌بین، پیش‌بینی درآمدهای بیش از حد خوش‌بینانه‌ای دارند و همچنین این مدیران خطای بیشتری را در پیش‌بینی سود نیز دارند.

احمد و دوئلمن (۲۰۱۲)، در پژوهشی با عنوان اعتماد بیش از حد مدیریتی و محافظه‌کاری حسابداری، پیش‌بینی کردند که مدیران با اعتماد به نفس زیاد، تمایل دارند شناسایی سود را تسریع بخشیده و شناسایی زیان را به تأخیر بیندازند؛ چنین مدیرانی، عموماً از محافظه‌کاری حسابداری کمتر استفاده می‌کنند. آنها دریافتند که بین مدیرعامل دارای اعتماد بیش از حد و محافظه‌کاری حسابداری، رابطه منفی وجود دارد.

جی و همکاران (۲۰۱۱) ویژگی‌های شخصی مدیر عامل (برای مثال سن و تحصیلات) را با هموارسازی درآمدها مورد بررسی قرار دادند. آنها نشان دادند خوش‌بینی مدیریتی، که در آن خوش‌بینی به عنوان تمایل روبه بالا در باورهای راجع به وقایع آینده تعریف می‌شود، بر گستره وسیعی از تصمیمات جمعی و فردی افراد تصمیم‌گیرنده اثر می‌گذارد.

پورحیدری و افلاطونی (۱۳۸۵) در پژوهشی به بررسی انگیزه‌های هموارسازی سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخت‌اند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که هموارسازی سود با استفاده از اقلام اختیاری توسط مدیران شرکت‌های ایرانی صورت می‌گیرد و مالیات بر درآمد و انحراف در فعالیت‌های عملیاتی محرک‌های اصلی برای هموار نمودن سود با استفاده از اقلام تعهدی اختیاری می‌باشند. بر خلاف یافته‌های محققین غربی اندازه شرکت، نسبت بدهی به کل دارایی‌ها (قرار دادهای بدهی) و نوسان پذیری سود به عنوان محرک‌های هموارسازی سود از اهمیت چندانی برخوردار نمی‌باشند.

هاشمی و صمدی (۱۳۸۸) تأثیر هموارسازی سود بر محتوای اطلاعاتی آن را بررسی کردند. سؤال مطرح شده در این تحقیق این است که آیا هموارسازی سود، سود را تحریف می‌کند و یا منجر به بهبود محتوای

اطلاعاتی آن؛ جهت پیش بینی سود، جریان های نقدی عملیاتی و ارقام تعهدی آتی می شود؟ نتایج نشان می دهد که هموارسازی سود، توانایی سود در پیش بینی سود و جریان های نقدی عملیاتی آتی را افزایش می دهد. در حالیکه توانایی مذکور در پیش بینی ارقام تعهدی از طریق هموارسازی سود افزایش نمی یابد. کردستانی و لطفی (۱۳۹۰) به بررسی ارتباط بین خطای پیش بینی مدیریت از سود سال آتی شرکت و ارقام تعهدی سال جاری پرداختند. آنها معتقدند که؛ به دلیل عدم اطمینان در محیط عملیاتی، برآوردهای مدیران از چشم انداز تجاری شرکت کامل نیست. با توجه به اینکه برآوردهای ناقص مدیران هم فرآیند ایجاد ارقام تعهدی و هم فرآیند پیش بینی سود را تحت تأثیر قرار می دهد، فرض کردند هنگامی که سطح ارقام تعهدی نسبتاً بالا / پایین است، پیش بینی مدیریت از سود دربردارنده خوشبینی / بدبینی بیشتری است. یافته های حاصل از تحقیق آنها نشان دهنده ی ارتباط مثبت بین ارقام تعهدی و خطای پیش بینی مدیریت از سود است. همچنین نتایج حاصل از تحقیق نشان می دهد این ارتباط مثبت در شرکتهایی که دارای نوسان بیشتری در جریان های نقدی عملیاتی هستند، بیشتر است.

علی نژاد و صبحی (۱۳۹۳)، در پژوهشی تحت عنوان تأثیر بیش اعتمادی بر خطای مدیریت در پیش بینی سود شرکتهای پذیرفته شده در بورس تهران را مورد آزمون قرار دادند. نتایج پژوهش نشان داد که بیش اعتمادی مدیران بر خطای پیش بینی سود مدیریت تأثیر دارد.

فروغی و نخبه فلاح (۱۳۹۳)، تأثیر اطمینان بیش از حد مدیریتی بر محافظه کاری شرطی و محافظه کاری غیرشرطی را مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که اثر اطمینان بیش از حد مدیریتی بر محافظه کاری شرطی و غیرشرطی، منفی و معنی دار است. به عبارتی، وجود ویژگی اطمینان بیش از حد در مدیران، سبب کاهش محافظه کاری در فرآیند گزارشگری مالی می شود.

۳- روش شناسی پژوهش

هدف اصلی این تحقیق بررسی ارتباط بین خوش بینی مدیریت و هموارسازی سود می باشد، بنابراین پژوهش حاضر از لحاظ هدف جزء تحقیقات کاربردی بوده و از لحاظ روش شناسی از نوع تحقیقات همبستگی علی پس از وقوع می باشد. همچنین این تحقیق به لحاظ ارتباط با محیط پیرامونی از نوع تحقیقات شبه تجربی می باشد. جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی بانک پذیرفته شده در بورس و فرابورس اوراق بهادار تهران می باشد. برای انتخاب جامعه آماری بانکهایی که طی سال های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۳، در بورس یا فرابورس پذیرفته شده بوده و اطلاعات مالی آنها در دسترس می باشد به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شده است.

پس از غربالگری جامعه تحقیق و اعمال محدودیت های فوق تعداد ۶۵ سال-بانک به عنوان نمونه انتخاب گردیده است. قلمرو زمانی پژوهش شامل پنج دوره مالی (۱۳۸۹-۱۳۹۳) می باشد. همچنین برای محاسبه متغیرهای هموارسازی سود از طریق ارقام تعهدی و شاخص ایکل از اطلاعات سال های (t-1 و t-2) نیز استفاده شده است. در گردآوری داده ها از نرم افزار ره آورد نوین و اطلاعات منتشر شده بانک ها در شبکه کدال استفاده

شده است. تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها نیز پس از گردآوری داده‌های مورد نیاز از طریق نرم افزار ایویوز نسخه ۷ انجام شده است.

۴- فرضیه های پژوهش

- در این تحقیق با توجه به مبانی نظری پژوهش دو فرضیه به شرح زیر مورد آزمون قرار می‌گیرد:
- (۱) بین خوش‌بینی مدیریت و هموارسازی سود از طریق کل ارقام تعهدی ارتباط وجود دارد؛
 - (۲) بین خوش‌بینی مدیریت و هموارسازی سود طبق مدل ایکل ارتباط وجود دارد.

۵- مدل پایه و نحوه اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش

در این پژوهش بر اساس تحقیق باومن (۲۰۱۴) برای بررسی ارتباط بین خوش‌بینی مدیریت و هموارسازی سود، از مدل رگرسیونی خطی زیر استفاده می‌شود.

$$ES_{i,t} = \alpha + \beta_1(MO_{i,t}) + \beta_2(SIZE_{i,t}) + \beta_3(M/B_{i,t}) + \beta_4(LEV_{i,t}) + \beta_5(\beta_{i,t}) + \beta_6(Age_{i,t}) + \varepsilon_{i,t} \quad (۱)$$

در رابطه (۱)؛ $ES_{i,t}$ هموارسازی سود (در فرضیه اول از طریق ارقام تعهدی و در فرضیه دوم از طریق شاخص ایکل)؛ $MO_{i,t}$ خوش‌بینی مدیریت؛ $SIZE_{i,t}$ اندازه شرکت؛ $M/B_{i,t}$ نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری $LEV_{i,t}$ اهرم مالی؛ $\beta_{i,t}$ ریسک سیستماتیک؛ و $Age_{i,t}$ عمر بانک می‌باشند.

۵-۱- نحوه اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش

الف) متغیر وابسته (هموارسازی سود)

در این پژوهش هموارسازی سود بر پایه تغییرات داده‌های حسابداری و از طریق دو رویکرد به شرح زیر محاسبه می‌شود.

۱. هموارسازی سود از طریق کل ارقام تعهدی: در این رویکرد هموارسازی سود از طریق نسبت انحراف استاندارد سه ساله (سال t تا سال t-2) جریان نقد عملیاتی بانک‌ها به انحراف استاندارد سه ساله (سال t تا سال t-2) سود (زیان) خالص محاسبه می‌شود. هر چه حاصل این نسبت بزرگتر باشد بدین معنی است که هموارسازی سود بیشتری صورت گرفته است. اساس این رویکرد بر برابری انحرافات سود خالص و جریان نقد عملیاتی می‌باشد. در صورتی که سود خالص با دستکاری در ارقام تعهدی نوسان کمتری به نسبت جریان های نقد عملیاتی داشته باشد نشان دهنده هموارسازی در سود توسط مدیریت می‌باشد.

۲. هموارسازی سود از طریق مدل ایکل: طبق این مدل بانکی به عنوان بانک های هموارساز شناخته می‌شود که ضریب پراکندگی تغییرات یک دوره سود خالص بر ضریب پراکندگی تغییرات یک دوره فروش کوچکتر باشد.

$$IA_{i,t} = \frac{CV}{CV} \frac{\Delta i}{\Delta S} \quad \text{رابطه ۲}$$

در رابطه (۲) $CV\Delta i$ ضریب تغییرات سود و $CV\Delta S$ ضریب تغییرات فروش می باشد.

نحوه تفکیک شرکت های هموارساز و غیر هموارساز بدین شکل است که اگر IA کوچکتر از یک باشد هموارسازی سود انجام گرفته و بانک مورد نظر هموارساز شناخته می شود، و در غیر این صورت غیر هموارساز شناخته خواهد شد. اساس این مدل بر این است که هموارسازی سود زمانی اتفاق می افتد که ضریب تغییرات سود به نسبت فروش پایین تر باشد.

ب) متغیر مستقل (خوش بینی مدیریت)

برای محاسبه خوش بینی مدیریت از تفاوت سود (زیان) پیش بینی شده و سود و (زیان) واقعی بر قدر مطلق سود و (زیان) پیش بینی شده بانک ها استفاده شده است (هوانگ و همکاران، ۲۰۱۰). این مدل خوش بینی مدیریت را از دیدگاه پیش بینی مدیریت اندازه گیری می کند. بدین شکل که اگر مدیریت بانک سود را فراتر از سود واقعی پیش بینی کند، مدیری خوش بین یا بیش اعتماد دارد.

ج) متغیرهای کنترلی

در این پژوهش مطابق تحقیق باومن (۲۰۱۴) از پنج متغیر کنترلی به شرح زیر که تاثیر خوش بینی مدیریت را بر هموارسازی سود کنترل می کنند استفاده می شود.

- ۱) اندازه شرکت: از طریق لگاریتم مجموع دارایی های بانک ها محاسبه می شود.
- ۲) نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری سهام: از طریق نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری در پایان دوره مالی محاسبه می شود.
- ۳) اهرم مالی: از طریق نسبت کل بدهی ها به کل دارایی ها در پایان دوره مالی محاسبه می شود.
- ۴) ریسک سیستماتیک: ضریب بتا عددی برای مقایسه شدت همسویی تغییرات بازده شرکت مورد نظر با بازده شاخص کل بازار می باشد که از طریق رابطه زیر محاسبه می شود.

$$\beta_{i,t} = \frac{COV(Zp, Zm)}{\delta_m^2} \quad \text{رابطه ۳}$$

در رابطه (۳)، $COV(Zp, Zm)$ کوواریانس بازده بازار و بازده بانک و δ_m^2 واریانس بازده بازار می باشد.

- ۵) عمر بانک: عمر بانک از حاصل تفریق سال مورد بررسی و سال تاسیس محاسبه می شود.

۶- یافته‌های پژوهش

نتایج تحلیل توصیفی در جدول (۱) درج شده است. مجموع مشاهدات در این پژوهش برابر با ۶۵ سال-بانک طی سال‌های ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۳ می‌باشد. نتایج تحلیل توصیفی متغیرهای پژوهش نشان می‌دهد میانگین هموارسازی سود از طریق کل ارقام تعهدی در بانک‌های نمونه برابر با ۱۳/۸۶۱ می‌باشد. هر چقدر مقدار نسبت ذکر شده بیشتر باشد نشان دهنده هموارسازی بیشتر سود می‌باشد. میانه این متغیر نیز برابر با ۹/۴۰۵ بوده و نشان می‌دهد ۵۰ درصد مشاهدات پژوهش هموارسازی بیشتر از ۹/۴۰۵ دارند. متوسط معیار بیش اعتمادی مدیران بانک‌ها نیز منفی بوده و برابر با ۰/۰۷۳- می‌باشد که این موضوع نشان می‌دهد مدیران بانک‌های پذیرفته شده در بورس و فرابورس تهران به طور متوسط سود پیش بینی شده پایین تری به نسبت سود واقعی گزارش نموده‌اند. حداقل و حداکثر مقدار بیش اعتمادی مدیران بانک‌ها نیز به ترتیب برابر با ۱/۹۲۸- و ۰/۹۶۵ می‌باشد. متوسط نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری نیز برای بانک‌های مورد مطالعه برابر با ۱/۶۱۵ می‌باشد که نشان می‌دهد ارزش بازار بانک‌های قرار گرفته در نمونه حدوداً ۱/۶ برابر ارزش دفتری آنها می‌باشد. نتایج تحلیل توصیفی همچنین نشان می‌دهد بانک‌های قرار گرفته در نمونه به طور متوسط از ۹۰ درصد اهرم مالی در ترکیب تامین مالی خود بهره‌گیری می‌کنند. کمترین مقدار و بیشترین مقدار اهرم مالی نیز به ترتیب برابر با ۰/۵۱۶ و ۰/۹۷۰ می‌باشد. متوسط ریسک سیستماتیک (بتا) بانک‌های قرار گرفته در نمونه نیز برابر با ۰/۶۰۳ می‌باشد که نشان می‌دهد بازده بانک‌های قرار گرفته در نمونه به طور ملایم همسو با بازده کل بورس و فرابورس اوراق بهادار تهران است. ضریب بتای معادل یک، بزرگتر از یک و کوچکتر از یک، به ترتیب نشان‌دهنده هم‌شدت بودن، شدیدتر بودن و ملایم‌تر بودن بازده سهام شرکت (بانک) مورد نظر، با بازده شاخص کل بازار می‌باشند. ضریب بتای صفر نیز نشان‌دهنده بی‌تفاوتی و استقلال تغییرات بازده شرکت مورد نظر، نسبت به بازده شاخص کل بازار می‌باشد. در نهایت علامت مثبت ضریب بتا، هم‌سو بودن و علامت منفی این ضریب، غیرهمسو بودن تغییرات بازده شرکت مورد نظر با تغییرات بازده شاخص کل را نشان می‌دهد. متوسط عمر بانک‌های قرار گرفته در نمونه نیز برابر با ۱۵/۶۶۱ سال می‌باشد و میانه عمر بانک‌ها نیز ۱۰ سال است. این بدین معنی است که ۵۰ درصد بانک‌های قرار گرفته در نمونه سنی بالاتر از ۱۰ سال دارند. کمترین سن بانک قرار گرفته در نمونه ۲ سال و بیشترین سن ۶۲ سال است. نتایج تحلیل فراوانی متغیر کیفی هموارسازی سود ایکل نیز نشان می‌دهد تعداد ۳۴ سال-بانک توسط شاخص ایکل هموارسازی شناسایی شده‌اند که ۵۲/۳ درصد از کل مشاهدات می‌باشد.

۶-۱- مانایی متغیرهای کمی پژوهش

به جهت بررسی مانایی متغیرهای پژوهش از آزمون دیکی فولر تعمیم یافته استفاده شده و نتایج در جدول (۲) درج شده است. با توجه به نتایج ارائه شده در جدول (۲) متغیرهای کمی پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد از مانایی لازم برخوردار می‌باشند.

جدول ۱- نتایج تحلیل توصیفی داده های پژوهش

نام متغیر	علامت	میانگین	میانه	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
هموارسازی از طریق کل اقلام تعهدی	TAS	۱۳/۸۶۱	۹/۴۰۵	۱۳/۶۵۷	۰/۲۶۸	۵۷/۱۶۸
خوش بینی مدیریت	MO	-۰/۰۷۳	-۰/۰۲۲	۰/۵۰۵	-۱/۹۲۸	۰/۹۶۵
اندازه بانک	SIZE	۱۸/۸۳۲	۱۸/۷۵۲	۱/۲۹۴	۱۶/۰۵۲	۲۱/۰۹۱
ارزش بازار به ارزش دفتری	M/B	۱/۶۱۵	۱/۳۹۷	۰/۹۰۶	۰/۵۷۹	۶/۹۹۳
اهرم مالی	LEV	۰/۹۰۰	۰/۹۲۴	۰/۰۷۲	۰/۵۱۵	۰/۹۶۹
ضریب بتا	B	۰/۶۰۳	۰/۵۶۰	۰/۶۴۴	-۱/۰۳۱	۲/۴۱۶
عمر بانک	Age	۱۵/۶۶۱	۱۰	۱۶/۲۰۴	۲	۶۲
هموارسازی سود مدل ایکل	IA	بانک هموارساز		فراوانی-درصد	۳۴	۵۲/۳
		بانک های غیرهموارساز		فراوانی -درصد	۳۱	۴۷/۷

جدول ۲- نتایج آزمون مانایی متغیرهای کمی پژوهش

نام متغیر	علامت	آزمون مانایی	
		آماره آزمون	Prob.
هموارسازی از طریق کل اقلام تعهدی	TAS	-۸/۵۵۴	۰/۰۰۰
خوش بینی مدیریت	MO	-۹/۴۴۲	۰/۰۰۰
اندازه بانک	SIZE	-۸/۹۲۰	۰/۰۰۰
ارزش بازار به ارزش دفتری	MB	-۷/۱۵۷	۰/۰۰۰
اهرم مالی	LEV	-۸/۵۲۵	۰/۰۰۰
ضریب بتا	B	-۳/۸۸۰	۰/۰۰۴
عمر بانک	Age	-۹/۴۹۰	۰/۰۰۰

۲-۶- آزمون فرضیه های پژوهش

برای آزمون فرضیه های تحقیق طبق مدل رگرسیونی (رابطه ۱) از رگرسیون حداقل مربعات معمولی برای فرضیه اول و از رگرسیون لجیت باینری برای فرضیه دوم بهره گیری شده است. در این پژوهش به دلیل عدم در دسترس بودن بانک های نمونه در طول دوره پژوهش به شکل کامل امکان تشکیل داده های تابلویی (پانل دیتا) میسر نبوده و آزمون های مربوط به تحلیل انتخاب مدل (شامل آزمون های F لیمر و H هاسمن) انجام نگردیده است. چون در بین مشاهدات برای مثال یک بانک از سال ۱۳۹۱ به جمع نمونه اضافه شده و بانک دیگر از سال های متفاوت وارد نمونه پژوهش شده اند، فلذا امکان تشکیل داده های تابلویی میسر نمی باشد.

الف) آزمون فرضیه اول

فرضیه اول بیان می‌دارد: بین خوش‌بینی مدیریت و هموارسازی سود از طریق کل ارقام تعهدی ارتباط وجود دارد. برای آزمون فرضیه فوق مدل رگرسیونی زیر استفاده شده است.

$$\text{Log-TAS}_{i,t} = \beta_1(\text{MO}_{i,t}) + \beta_2(\text{SIZE}_{i,t}) + \beta_3(\text{MB}_{i,t}) + \beta_4(\text{LEV}_{i,t}) + \beta_5(\beta_{i,t}) + \beta_6(\text{Age}_{i,t}) + C_{i,t}$$

جدول ۳- نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش

نام متغیر	نماد متغیر	ضریب	آماره t	Prob.	آزمون همخطی
خوش‌بینی مدیریت	β_1 (MO)	۰/۳۰۹	۲/۴۶۴	۰/۰۱۶	۱/۴۶۳
اندازه بانک	β_2 (SIZE)	۰/۱۸۷	۲/۶۷۶	۰/۰۰۹	۲/۱۶۹
ارزش بازار به ارزش دفتری	β_3 (MB)	۰/۰۳۴	۰/۴۱۵	۰/۶۷۹	۲/۰۲۸
اهرم مالی	β_4 (LEV)	۰/۹۵۰	۰/۱۸۵۸	۰/۳۹۱	۲/۳۰۰
ضریب بتا	β_5 (β)	۰/۰۳۴	۰/۳۷۶	۰/۷۰۷	۱/۲۴۶
عمر بانک	β_6 (Age)	۰/۰۰۸	۲/۰۷۳	۰/۰۴۸	۱/۷۸۰
مقدار ثابت	C	-۰/۵۳۲	-۰/۴۵۹	۰/۶۴۷	-
آماره F			۳/۱۳۴		
سطح معنی داری (Prob.)				(۰/۰۰۹)	
آماره دوربین واتسون			۲/۱۹۲		
آزمون خود همبستگی سریالی (آزمون Breusch-Godfrey)			۰/۵۲۲		
سطح معنی داری (Prob.)				(۰/۵۹۶)	
آزمون ناهمسانی واریانس (آزمون White)			۰/۳۹۷		
سطح معنی داری (Prob.)				(۰/۹۹۳)	
ضریب تعیین (R^2)			۰/۲۴۵		
ضریب تعیین تعدیل شده ($\text{Adj}R^2$)				(۰/۲۰۷)	

نتایج آزمون نشان می‌دهد، سطح معنی داری آماره آزمون وایت برابر با (۰/۹۹۳) بوده و بیشتر از سطح خطای مورد پذیرش می‌باشد بنابراین ناهمسانی واریانس در مدل رگرسیونی وجود ندارد. همچنین با توجه به بالا بودن سطح معنی داری آماره آزمون برآش گادفری از سطح خطای مورد پذیرش (۵ درصد)، نتایج نشان می‌دهد خود همبستگی سریالی در مدل رگرسیونی وجود ندارد. آماره دوربین واتسون نیز در دامنه قابل قبول (۱/۵ و ۲/۵) قرار دارد، که نشان می‌دهد همبستگی بین اجزای خطای مدل وجود ندارد. نتایج آزمون همخطی نیز نشان می‌دهد بین متغیرهای وارد شده در مدل همخطی وجود ندارد. سطح معنی داری آماره F (۰/۰۰۰) کمتر از سطح خطای مورد پذیرش (۵ درصد) بوده و کل مدل رگرسیونی معنی دار است. با توجه به پایین بودن سطح

احتمال (Prob.) آماره t از سطح خطای مورد پذیرش برای ضریب β_1 نتایج آزمون نشان می دهد، بین خوش-بینی مدیریت و هموارسازی سود از طریق کل اقلام تعهدی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. بنابراین، می توان نتیجه گرفت مدیران خوشبین تر به نسبت سایر مدیران تمایل بیشتری جهت گزارش سودهای هموار شده دارند. همچنین نتایج تحقیق نشان می دهد از متغیرهای کنترلی وارد شده در رگرسیون، اندازه و عمر بانکها نیز با هموارسازی سود رابطه مثبت و معناداری دارند. بنابراین می توان نتیجه گرفت بانکهای بزرگ و قدیمی تمایل بیشتری به نسبت سایر بانکها جهت هموارسازی سود نشان می دهند. بین سایر متغیرهای کنترلی و هموارسازی سود از طریق کل اقلام تعهدی نیز رابطه آماری معناداری مشاهده نگردید. ضریب تعیین و ضریب تعیین تعدیل شده نیز نشان می دهد که متغیرهای وارد شده در مدل ۲۴/۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می کنند.

ب) آزمون فرضیه دوم

فرضیه دوم بیان می دارد: بین خوش-بینی مدیریت و هموارسازی سود طبق مدل ایکل ارتباط وجود دارد. برای آزمون فرضیه فوق مدل خطی به شرح زیر استفاده و نتایج در جدول (۴) ارائه شده است.

$$IA_{i,t} = \beta_1(MO_{i,t}) + \beta_2(SIZE_{i,t}) + \beta_3(MB_{i,t}) + \beta_4(LEV_{i,t}) + \beta_5(\beta_{i,t}) + \beta_6(Age_{i,t}) + C_{i,t}$$

نتایج آزمون نشان می دهد، سطح معنی داری آماره LR (۰/۰۰۰) کمتر از سطح خطای مورد پذیرش (۵ درصد) بوده و کل مدل رگرسیونی معنی دار است. با توجه به بالا بودن سطح معنی داری در نتایج آزمونهای نیکویی برازش (آزمونهای HL و اندروز) نتایج نشان می دهد الگوی رگرسیونی مزبور از برازش مطلوبی برخوردار است. نتایج آزمون ضرایب مدل رگرسیونی با توجه به پایین بودن سطح احتمال (Prob.) آماره Z از سطح خطای مورد پذیرش (۵ درصد) برای ضریب β_1 ، نشان می دهد بین خوش-بینی مدیریت و هموارسازی سود طبق مدل ایکل رابطه مثبت و به لحاظ آماری معناداری وجود دارد. بنابراین می توان نتیجه گرفت مدیران خوش-بین تر تمایل بیشتری به گزارش سودهای هموار شده طبق مدل ایکل دارند. همچنین نتایج تحقیق نشان می دهد از متغیرهای کنترلی وارد شده در رگرسیون، اندازه بانک و عمر بانکها نیز با هموارسازی سود رابطه مثبت و معناداری دارند. بنابراین می توان نتیجه گرفت بانکهای با عمر زیاد و همچنین بزرگ تمایل بیشتری به نسبت سایر بانکها جهت هموارسازی سود نشان می دهند. همچنین بین نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری بانکها و هموارسازی سود طبق مدل ایکل رابطه منفی و معناداری مشاهده می شود. بین سایر متغیرهای کنترلی وارد شده و متغیر هموارسازی سود طبق مدل ایکل نیز رابطه آماری معناداری مشاهده نگردید. ضریب تعیین مک فادن نیز نشان می دهد که متغیرهای وارد شده در رگرسیون توانسته اند ۳۴/۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند.

جدول ۴- نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش

نام متغیر	نماد متغیر	ضریب	آماره Z	Prob.
خوش بینی مدیریت	β_1 (MO)	۴/۹۱۴	۳/۰۲۶	۰/۰۰۲
اندازه بانک	β_2 (SIZE)	۱/۵۳۷	۲/۸۰۴	۰/۰۰۵
ارزش بازار به ارزش دفتری	β_3 (MB)	-۱/۵۱۶	-۲/۱۲۰	۰/۰۳۴
اهرم مالی	β_4 (LEV)	۱۱/۸۰۴	۱/۲۷۲	۰/۲۰۳
ضریب بتا	β_5 (β)	۰/۲۵۶	۰/۴۳۴	۰/۶۶۴
عمر بانک	β_6 (Age)	۰/۰۷۴	۲/۴۲۸	۰/۰۲۸
مقدار ثابت	C	-۱۷/۹۰۳	-۱/۹۹۶	۰/۰۴۶
آزمون حداکثر درست نمایی (LR Test)		۳۱/۳۱۱		
سطح معنی داری (Prob.)		(۰/۰۰۰)		
آماره HL		۱۳/۹۰۷		
سطح معنی داری (Prob.)		(۰/۱۴۸)		
آماره اندروز (Andrews Statistic)		۱۴/۳۲۱		
سطح معنی داری (Prob.)		(۰/۱۱۴)		
ضریب تعیین مک فادن McFadden R-SQ		۰/۳۴۸		

۷- بحث و نتیجه گیری

سرمایه‌گذاران به طور عام به رقم سود توجه ویژه‌ای دارند. آنها سودهای بدون نوسان و یا کم نوسان را با کیفیت تر تلقی می‌کنند به عبارت بهتر، آنها در بانک‌هایی حاضرند سرمایه‌گذاری کنند که روند سود آنها دارای ثبات بیشتری است. بنابراین سودهای گزارش شده همواره به عنوان یکی از معیارهای تصمیم‌گیری مالی، دارای اعتبار ویژه‌ای است و اغلب تحلیل‌گران مالی سود را به عنوان یک عامل اساسی در بررسی‌ها و قضاوت‌های خود مدنظر قرار می‌دهند. مدیران انگیزه قوی دارند که سود را مدیریت کنند. مدیران واحدهای تجاری سعی می‌کنند در فرآیند تعیین سود دخالت نمایند تا رقم سود در راستای اهداف دلخواه آنها گزارش شود. و این مسئله خوش بینی آنها نسبت به دیدگاه سرمایه‌گذاران نسبت به سود گزارش شده است چرا که؛ بنظر مدیران، سرمایه‌گذاران و سهامداران به سود کم نوسان نسبت به سود پر نوسان دیدگاه بهتری دارند لذا می‌توان گفت این خوش بینی مدیران می‌تواند در جهت ابعاد مثبت هموارسازی سود باشد. نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان می‌دهد مدیران خوشبین تر تمایل بیشتری به هموارسازی سود دارند.

مدیران جهت رسیدن به ثبات سودآوری در طی دوره‌های مالی به درآمد پیش‌بینی شده و همچنین درآمد واقعی توجه خاصی دارند و زمانیکه از تحقق درآمد واقعی و یا انتظار برآورده شده در درآمد پیش‌بینی شده اطمینان بدست می‌آورد به هموارسازی سود اقدام می‌نمایند تا با ثبات سودآوری در طی دوره‌های مالی هم عملکرد مطلوب خود را نشان دهند و هم به سرمایه‌گذاران و سهامداران با توجه به ثبات سود، اطلاع‌رسانی

نمایند تا نظر آنها را نسبت به مدیریت و عملکرد آن جلب نمایند بنابراین می توان یکی از سیاست های مدیران بانکها در زمینه هموارسازی را به درآمدهای پیش بینی شده و تحقق یافته مرتبط نمود که این ارتباط را بایستی از ابعاد مثبت هموارسازی سود تلقی نمود. چرا که با لحاظ نمودن موارد فوق می توان گفت خوشبینی مدیران باعث وفق دادن مدیران به ارائه اطلاعات غیرواقعی و در بعضی موارد به دستکاری یا مدیریت سود منجر شود. مدیریت سود برآیند درجه هایی از قابلیت انعطاف و اعمال نظری است که مدیران در گزارشگری مالی خود دارند. مدیران ممکن است از این قدرت خود برای مدیریت فرصت طلبانه سود یا انتقال اطلاعات محرمانه درباره عملکرد آتی بانک استفاده نمایند.

اطلاعات ارائه شده توسط بانک و در نتیجه سود، مبتنی بر رویدادهای گذشته بانک است اما سرمایه گذاران، نیازمند اطلاعاتی راجع به آینده بانک می باشند. یکی از دیدگاه های موجود در این مورد، ارائه صرفا اطلاعات تاریخی و جاری توسط بانک است البته به نحوی که سرمایه گذاران بتوانند خود پیش بینی های مربوط به آینده را انجام دهند. همچنین، می توان گفت که مدیریت با در دست داشتن منابع و امکانات به انجام پیش بینی های قابل اعتماد پردازد و با انتشار عمومی این پیش بینی ها، کارایی بازارهای مالی را افزایش دهد پیش بینی به سرمایه گذاران کمک می کند تا فرایند تصمیم گیری خود را بهبود بخشند و خطر تصمیم های خود را کاهش دهند. آنها علاقه دارند، منافع آینده سرمایه گذاری خود را برآورد نمایند تا بتوانند درباره دریافت سود نقدی آینده و نیز ارزش سهام خود داوری کنند ولی این پیش بینی ها بایستی واقع نگرا نه و براساس وضعیت بازار و رقباء پیش بینی شود چرا که ارائه اطلاعات و پیش بینی های غیرواقعی می تواند ضرر و زیان به سهامداران و در نتیجه زیان هنگفتی به بانک وارد نماید.

همچنین، نتایج آزمون فرضیه ها نشان داد که اندازه بانک و عمر بانکها نیز با هموارسازی سود رابطه مثبت و معناداری وجود دارد لذا هموارسازی سود نسبت به اندازه بانک و عمر بانکها نیز واکنش نشان داده است و با افزایش عمر بانکها و همچنین داراییهای بانک، هموارسازی سود نیز بیشتر شده است از این رو، می توان گفت که بانکهای با عمر بیشتر نیز نسبت به ابعاد مثبت هموارسازی سود معتقدند و مدیران این بانکها نیز نسبت به سودهای پر نوسان دیدگاه مثبتی ندارند به طور کلی نتیجه این فرضیه نشان دهنده جلوه مثبت هموارسازی سود می باشد و از حیاتی نمودن اطلاعات و یا غیر واقعی بودن اطلاعات چشم پوشی نموده اند از این رو، خوش بینی مدیران منجر به افزایش کل ارقام تعهدی و در نهایت با سازی سود مرتبط است.

در پژوهش حاضر مشاهده گردید که بین خوش بینی مدیریت و هموارسازی سود از طریق کل ارقام تعهدی و هموارسازی سود مدل ایکل ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد بنابراین نتیجه فرضیه فوق با نتایج پژوهش های کردستانی و لطفی (۱۳۹۰)، جو (۱۹۹۱)، سانکار و سامیرامانیام (۲۰۰۱)، کرسچین هیتر و ملومد (۲۰۰۲)، هوانگ و همکاران (۲۰۱۰)، سان (۲۰۱۱)، جی و همکاران (۲۰۱۱)، وی و بالجیت (۲۰۱۲) و باومن (۲۰۱۴) همسو بوده و با نتایج پژوهش های حقیقت و رایگان (۱۳۸۷)، هاشمی و صمدی (۱۳۸۸) و عبدی (۱۳۹۲) همسو نمی باشد.

با توجه به نتایج حاصل از آزمون فرضیه های پژوهش می توان پیشنهاد های زیر را ارائه نمود:

الف) به کلیه سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌شود هنگام تصمیم‌گیری در رابطه با سرمایه‌گذاری در سهام بانک‌ها یا فروش سهام به تاثیر مثبت خوش بینی مدیریت بر هموارسازی سود از طریق کل اقلام تعهدی و هموارسازی سود طبق مدل ایکل توجه نمایند. هر چند هموارسازی سود جنبه‌های مثبت و منفی دارد ولی برای کسب بازدهی می‌تواند تاثیرات با اهمیتی داشته باشد.

ب) به کلیه سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌شود هنگام اتخاذ تصمیمات سرمایه‌گذاری به نقش مهم اندازه و عمر بانک‌ها توجه نموده و در تصمیم‌های خود لحاظ فرمایند. در نظر گرفتن این نکته مهم که بانک‌های بزرگ تر و قدیمی تر سودهای هموار شده تری گزارش می‌کنند برای کلیه سرمایه‌گذاران مهم می‌باشد.

ج) در نهایت همچنین پیشنهاد می‌شود سرمایه‌گذاران به نقش منفی نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری بر شاخص هموارسازی سود ایکل توجه نمایند. بدین معنی که شرکت‌های با ارزش بازار بالا به ارزش دفتری سودهای غیر هموار شده ارائه می‌کنند.

فهرست منابع

- * اعتمادی، حسین، جوادی، مزده، (۱۳۸۸)، عوامل موثر بر ارتباط بین هموارسازی سود و سودآوری شرکت‌ها در بورس اوراق بهادار تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران .
- * پورحیدری، امید، افلاطونی، عباس، (۱۳۸۵)، بررسی انگیزه‌های هموارسازی سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۳، شماره ۲.
- * حقیقت، حمید، رایگان، احسان، (۱۳۸۷)، نقش هموارسازی سود بر محتوای اطلاعاتی سودها در خصوص پیش‌بینی سودهای آتی، فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۵، شماره ۵۴؛ از صفحه ۳۳ تا ۴۶
- * عبدی، معصومه، (۱۳۹۲)، محافظه‌کاری و هموارسازی سود در شرکت‌های درمانده مالی، دومین همایش ملی بررسی راهکارهای ارتقاء مباحث مدیریت، حسابداری و مهندسی صنایع، دانشگاه آزاد اسلامی گچساران.
- * علی‌نژادساروکلائی، مهدی، صبحی، مریم، (۱۳۹۳)، تاثیر بیش‌اعتمادی مدیران بر خطای مدیریت در پیش‌بینی سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران، کنفرانس بین‌المللی حسابداری، اقتصاد و مدیریت مالی.
- * فروغی، داریوش، نخبه‌فلاح، زهرا، (۱۳۹۳)، تاثیر اطمینان بیش از حد مدیریتی بر محافظه‌کاری شرطی و غیرشرطی، مجله پژوهش‌های حسابداری مالی، سال ششم، شماره ۱.
- * فولاد، فرزانه، یعقوب‌نژاد، احمد، تالانه، عبدالرضا، (۱۳۹۱)، محافظه‌کاری و کاهش خطر سقوط قیمت سهم، فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۹، شماره ۶۹؛ از صفحه ۹۹ تا صفحه ۱۱۸.
- * کردستانی، غلامرضا، لطفی، احمد، (۱۳۹۰)، بررسی ارتباط بین خطای پیش‌بینی سود و اقلام تعهدی، فصلنامه پژوهش‌های حسابداری مالی، دوره ۳، شماره ۲ (۸)؛ از صفحه ۶۳ تا صفحه ۷۸.

- * ملا نظری، مهناز، کریمی زند، ساناز، (۱۳۸۶)، بررسی ارتباط بین هموارسازی سود با اندازه شرکت و نوع صنعت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۴، ش ۱.
- * واندا ای والاس، (۱۳۹۰)، نقش اقتصادی حسابرسی در بازارهای آزاد و تحت نظارت، ترجمه حامی امیراصلانی، نشریه ۱۵۹ سازمان حسابرسی، انتشارات سازمان حسابرسی، چاپ پنجم.
- * هاشمی، سید عباس، صمدی، ولی الله، (۱۳۸۸)، آثار هموارسازی سود بر محتوای اطلاعاتی آن در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، تحقیقات حسابداری، شماره ۱
- * هندریکسن، ای. اف. ون بردا، (۱۳۸۴)، تئوریهای حسابداری، ترجمه علی پارسائیان، جلد اول، انتشارات ترمه.
- * Ahmed, A. Duellman, A. (2012), Managerial Overconfidence and Accounting Conservatism, Journal of Accounting Research, Volume 51, Issue 1, pp 1-30.
- * Bao Ben- H, Da- H Bao. (2004). "Income smoothing, earnings quality and firm valuation", Journal of business Finance & Accounting, Vol, 31, No, 9- 10.
- * Barros, L. Silveira, A. (2009), Overconfidence, Managerial Optimism and the Determinants of Capital Structure, Brazilian Review of Finance, 6(3), pp 293-335.
- * Beidleman, Carl R., (1973). Income smoothing: the role of management. Accounting Review, 48, 653-667.
- * Ben-David, I, Graham, J R., Harvey, Campbell R., (2007). Managerial Optimism and Corporate Policies. Duke University Working Paper.
- * Bergstresser, D, B., Philippon, T, (2006). CEO incentives and earnings management. Journal of Financial Economics, 80, 511-529.
- * Bouwman, C. H. S. (2014), Managerial optimism and earnings smoothing. Journal of Banking & Finance, 41, pp 283-303.
- * Bowen, R M., Rajgopal, Sh, Venkatachalam, M, (2008). Accounting discretion, corporate governance and firm performance. Contemporary Accounting Research, 25 (2), 351-405.
- * Brown, R. S, N. (2006), CEO Overconfidence, CEO Dominance and Corporate Acquisitions. Working paper, University of Melbourne.
- * Burgstahler, D., & Dichev, I. D. (1997). Earnings management to avoid earnings decreases and losses. Journal of Accounting and Economics, 24(1), 99-126.
- * Hirshleifer D, Subrahmanyam A. (2002), Investor Psychology and Security Market Under- and Over-reactions. Journal of Finance. 2002;53(6): 1,839-85.
- * Eckel, N.(1981) The income smoothing hypothesis revisited. Abacus. 17(1),28-40.
- * Ge, W, Matsumoto, D, Zhang, J, (2011), Do CFOs have style? An empirical investigation of the effect of individual CFOs on accounting practices. Contemporary Accounting Research, 28, 1141-1179.
- * Goel, A. M. Thakor, A. V. (2008), Overconfidence, CEO Selection, and Corporate Governance. The Journal of Finance, 63: pp 2737-2784.
- * Graham, J., C. Harvey, and S. Rajgopal. (2005), The economic implications of corporate financial reporting. Journal of Accounting and Economics, 40, pp 3-73.
- * Healy, Paul M., (1985). The effect of bonus schemes on accounting decisions. Journal of Accounting and Economics 7 (1-3), 85-107.
- * Hermalin, B., & Weisbach, M., (2010). Boards of directors as an endogenously determined institution: A survey of the economic literature. FRBNY Economic Policy Review, 9(1): 7-26.

- * Hribar, P. Yang, H. (2010), Does CEO Overconfidence Affect Management Forecasting and Subsequent Earnings Management? Working paper, University of Iowa.
- * Hribar, P. Yang, H. (2012), CEO Overconfidence and Management Forecasting. Working Paper.
- * Jones, J. (1991). Earnings management during import relief investigations. *Journal of Accounting Research*, 29(2), 193-228.
- * Kirschenheiter M, Melumad N, (2004). Earnings' quality and smoothing. From www.ssrn.com
- * Klein, (2002). Audit committee, board of director characteristics, and earnings management. *Journal of Accounting and Economics* 33, 375-400.
- * Kothari, S.P., Leone, A.J. & Wasley, C.E. (2005). Performance matched discretionary accruals measures. *Journal of Accounting and Economics*, 39(1): 163-197.
- * Lin, Y. Hu, S. Chen, M. (2005), Managerial optimism and corporate investment: some empirical evidence from Taiwan. *Pacific-Basin Finance Journal*, 13, pp 523-546.
- * Malmendier, U., G. Tate, and J. Yan. (2011), Overconfidence and Early Life experiences: The effect of managerial traits on corporate financial policies. *The Journal of Finance*, 66, (5): 1687-733
- * Malmendier, Ul., Tate, G, (2008). Who makes acquisitions? CEO optimism and the market's reaction. *Journal of Financial Economics*, 88, 323-354.
- * Ronen J., Simcha S., (1981), Smoothing income numbers: Objectives, Means and Implications. Addison-Wesley PaP/Erback Series in Accounting.
- * Sunder, J. Sunder, S. Tan, L. (2009), The Role of Managerial Overconfidence in the Design of Debt Covenants, ssrn.com, abstract 1595007.
- * Tucker, W. Jennifer, and Paul A. Zarowin, (2006), " Does Income Smoothing Improve Earnings Informativeness?", *The Accounting Review* 81, (1), 251-270.
- * Tinaikar, S. Xue, S. (2009), Product Market Competition and Earnings Management: Some International Evidence, working papers series, ssrn.com, abstract=1466319

یادداشت‌ها

- ¹. Financial Accounting Standard Board (FASB)
- ². Holding Options Too Long
- ³. Holding Options Forever
- ⁴. Habitual Buyer of Stock
- ⁵. Media Coverage